

از توهّم نژادگرایی سرزمینی تا واقعیت‌های تاریخی و الهیاتی

(واکاوی ادعای مالکیت انحصاری رژیم صهیونیستی بر فلسطین از دیدگاه عهد قدیم)

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اسدی *

اشاره

نژادگرایی سرزمینی^۱ رویکردی ایدئولوژیک است که حق مالکیت، حاکمیت یا کنترل یک قلمرو جغرافیایی مشخص را به صورت انحصاری و ذاتی به یک گروه نژادی یا قومی خاص اختصاص می‌دهد. این دیدگاه، که اغلب با تعصبات قومی و نژادی درهم تنیده است، به صورت اجتناب‌ناپذیری منجر به نفی حقوق بنیادین، اخراج سیستماتیک یا اعمال تبعیض شدید علیه سایر گروه‌های قومی می‌شود که در آن سرزمین زندگی می‌کنند یا بر اساس شواهد تاریخی و فرهنگی، ادعای مشروعی بر آن دارند. این رویکرد، بستر مناسبی برای توجیه استعمار، اشغال و پاکسازی قومی فراهم می‌آورد.^۲

نمونه بارز و معاصر این نوع نژادگرایی، ادعای مالکیت انحصاری رژیم صهیونیستی بر اراضی اشغالی فلسطین است. این ادعا، که از سوی برخی محافل صهیونیستی و مذهبی مطرح می‌شود، بر این پایه استوار است که تنها یهودیان دارای حق الهی و تاریخی بر کل این سرزمین هستند. بر اساس این تفکر، حقوق فلسطینیان - که نسل‌ها در این سرزمین زیسته‌اند و دارای ریشه‌های عمیق فرهنگی و تاریخی در آن هستند - نادیده گرفته شده یا به حداقل کاهش می‌یابد و نوعی برتری قومی و حق مالکیت اختصاصی برای قوم یهود قائل می‌شوند. این دیدگاه، نه تنها با

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. Territorial Racism.

۲. Smith, ۲۰۰۴, p. ۷۸.

موازنین حقوق بین الملل و اصول عدالت انسانی در تضاد است، بلکه به ابزاری برای مشروعیت بخشی به اشغال، شهرک سازی و نقض حقوق فلسطینیان تبدیل شده است.^۱

ادعای مالکیت انحصاری یهودیان بر سرزمین فلسطین، اغلب بر مبنای تفسیری خاص از "وعدۀ الهی" مندرج در کتاب مقدس (عهد عتیق) استوار است. این ادعا ریشه در گزارش هایی دارد که بر اساس آنها، خداوند به ابراهیم علیه السلام وعده می دهد که سرزمین کنعان را به "ذریه او" ببخشد.^۲ اما این مقاله قصد دارد با تحلیل دقیق متون عهد عتیق و تفاسیر معتبر، نشان دهد که این ادعا با حقایق تاریخی، جغرافیایی و الهیاتی موجود در خود کتاب مقدس در تضاد است. مهاجر بودن ابراهیم علیه السلام، وجود اقوام بومی متعدد در کنعان پیش از ورود بنی اسرائیل، مشروط بودن "وعدۀ الهی" به وفاداری و اطاعت، و همچنین فراگیر بودن مفهوم "ذریه ابراهیم" که شامل نسل اسماعیل (نیاکان اعراب) نیز می شود، همگی از جمله چالش های اساسی در برابر این ادعای انحصاری هستند. این مقاله استدلال می کند که سرزمین های اشغالی هرگز نمی تواند به طور انحصاری وطن یهودیان باشد و این ادعا نه تنها پشتوانه الهیاتی محکمی ندارد، بلکه منجر به نقض حقوق بشر و تشدید منازعات منطقه ای شده است.

چالش های الهیاتی و تاریخی "وعدۀ الهی" در کتاب مقدس

بررسی دقیق تر و همه جانبه تر کتاب مقدس، حقایقی را آشکار می سازد که بنیان های ادعای انحصاری مالکیت یهودیان بر سرزمین فلسطین را به شدت به چالش می کشد. این چالش ها را می توان در چهار محور اصلی دسته بندی کرد:

۱. ابراهیم علیه السلام، مهاجری در کنعان

ابراهیم علیه السلام نیای نخست بنی اسرائیل (پدر اسحاق ← یعقوب ← بنی اسرائیل) از ساکنان بومی سرزمین کنعان نبود. کتاب مقدس به صراحت بیان می کند که آن حضرت یک مهاجر بود و تارح، پدر ابراهیم، او و خانواده اش را از "اور کلدانیان" (واقع در بین النهرین، منطقه کنونی جنوب عراق) به قصد کنعان بیرون آورد.^۳ این حقیقت که ابراهیم علیه السلام خود یک مهاجر بود، ادعای

۱. Pappe, ۲۰۰۶, p. ۱۲۱.

۲. پیدایش ۱۲: ۷ و ۱۵: ۱۸-۲۱.

۳. پیدایش ۱۱: ۲۸ و ۳۱ و ۱۲: ۵-۶؛ آرثر، ۲۰۱۲، ص ۷۶.

اصالت و بومی‌گری مطلق نسل او بر سرزمین را تضعیف می‌کند.

۲. ساکنان بومی کنعان

برخلاف برخی روایت‌ها که سرزمین کنعان را پیش از ورود بنی‌اسرائیل، سرزمینی خالی از سکنه یا بکر و بی‌صاحب تصویر می‌کنند، خود کتاب مقدس به وضوح به وجود اقوام متعددی در این منطقه پیش از ورود ابراهیم علیه السلام و بعدها بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند. در همان وعده به ابراهیم علیه السلام، نام اقوام و قبایلی چون "قینیان، قِزْریان، قَدمونیان، حیثیان، فِرْزَیان، رِفائیان، آموریان، کنعانیان، جرجاشیان و یبوسیان" به عنوان ساکنان آن زمان سرزمین ذکر شده است.^۱ این فهرست مفصل، نشان می‌دهد که بنی‌اسرائیل به سرزمینی متروکه و بی‌صاحب وارد نشدند، بلکه به منطقه‌ای با جمعیت بومی، تمدن‌های نسبتاً پیشرفته و ساختارهای اجتماعی موجود گام نهادند.^۲ تصرف این سرزمین‌ها توسط یوشع و بنی‌اسرائیل، با جنگ‌ها، نبردها و اخراج این اقوام بومی همراه بود. نمونه بارز آن، فتح شهر اریحا^۳ یا اورشلیم است که در ابتدا شهر یبوسیان بود و بعدها توسط داوود تسخیر شد.^۴ این حقایق تاریخی و متنی، هرگونه ادعای "سرزمین بی‌صاحب" را رد کرده و بر واقعیت اشغال و جابه‌جایی اجباری اقوام بومی تأکید می‌کند.

۳. مشروط بودن "وعده الهی"

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در برابر ادعای مالکیت انحصاری و ابدی، مشروط بودن "وعده الهی" به ابراهیم علیه السلام است. متون مقدس یهودی-مسیحی مملو از گزاره‌هایی است که نشان می‌دهد برکات الهی، از جمله تصرف سرزمین کنعان و سکونت در آن، مشروط به وفاداری به عهد و اطاعت از قوانین و فرامین الهی است. سفر تثنیه، به ویژه باب ۲۸، به تفصیل برکات اطاعت و لعنت‌های نافرمانی را شرح می‌دهد. در صورت نافرمانی و عدم رعایت عهد و پیمان الهی، بنی‌اسرائیل از سرزمین رانده می‌شدند:

"و اگر سخن خداوند، خدای خود را نشنوی و متوجه نشوی که جمیع اوامر و فرایض او را عمل کنی، آنگاه جمیع این لعنت‌ها و بلاها بر تو نازل شده، تو را در می‌یابد... و خداوند تو را از زمینی که به آن وارد می‌شوی تا آن را به تصرف خود درآوری، ریشه‌کن خواهد کرد و قومی را از

۱. پیدایش ۱۵: ۱۸-۲۱.

۲. Sarna, ۱۹۸۹, p. ۱۱۴.

۳. یوشع ۶: ۱-۲۱.

۴. دوم سموئیل ۵: ۶-۷.

دوردست بر شما مسلط خواهد کرد که همه چیز را نابود خواهد کرد... خداوند شما را از سرزمین خود ریشه کن کرده و در میان اقوام مختلف پراکنده خواهد ساخت"^۱

این گزاره‌ها به وضوح نشان می‌دهند که حق سکونت در سرزمین موعود، یک حق مطلق و غیر قابل سلب نبود، بلکه به عملکرد اخلاقی و دینی قوم یهود گره خورده بود. تاریخ توراتی نیز گواه تبعیدهای مکرر بنی اسرائیل (مانند تبعید به بابل، که در دوم پادشاهان ۲۵ توصیف شده است) به دلیل نافرمانی و نقض عهد است. این تبعیدها به خودی خود، نشان‌دهنده نقض "وعده ابدی و بی‌قید و شرط" است و آن را به یک وعده مشروط و وابسته به رفتار و وفاداری تبدیل می‌کند. بنابراین، نمی‌توان بر مبنای یک وعده مشروط، حق مالکیت انحصاری و ابدی را برای نسلی که از عهد و پیمان‌های الهی تخطی کرده، قائل شد.

۴. "ذریه ابراهیم"، مفهومی گسترده‌تر از نسل اسحاق

آخرین و شاید مهم‌ترین چالش الهیاتی، به تفسیر واژه "ذریه ابراهیم" بازمی‌گردد. کتاب مقدس به روشنی بیان می‌کند که اسماعیل نیز فرزند ابراهیم و نیای اعراب است.^۲ خداوند به ابراهیم می‌گوید: و نیز از پسر کنیزت (هاجر) امتی بزرگ پدید خواهیم آورد، زیرا که او نسل توست".^۳

این جمله و جملات مشابه (مانند: خداوند اسماعیل را برکت می‌دهد و می‌گوید "او را بسیار بارور خواهم ساخت و دوازده رئیس از او پدید خواهد آمد و او را امتی عظیم خواهم ساخت.")^۴ نشان می‌دهند که وعده مالکیت سرزمین به "نسل ابراهیم" شامل فرزندان اسماعیل (و در نتیجه، اعراب) نیز می‌باشد. بنابراین، ادعای انحصاری بودن این وعده برای بنی اسرائیل (نسل اسحاق و یعقوب) از نظر متنی قابل مناقشه است. اگر وعده به "ذریه ابراهیم" شامل نسل اسماعیل نیز باشد، به این معناست که اعراب نیز می‌توانند خود را وارث این وعده بدانند و این سرزمین، نه تنها متعلق به یک گروه، بلکه متعلق به تمام فرزندان ابراهیم است که در طول تاریخ در آن زیسته‌اند.

۱. تثنیه ۲۸: ۱۵، ۶۳-۶۴.

۲. Miller, ۲۰۰۱, p. ۱۴۵.

۳. پیدایش ۲۱: ۱۳.

۴. پیدایش ۱۷: ۲۰.

نتیجه‌گیری

با مطالعه دقیق و مستند کتاب مقدس یهودیان و ارجاع به تفاسیر معتبر الهیاتی، می‌توان به وضوح دریافت که ادعای مالکیت انحصاری و ابدی یهودیان بر سرزمین فلسطین، بدون قید و شرط نیست و پشتوانه الهیاتی محکمی ندارد. این زمین در طول تاریخ دارای ساکنان بومی متعدد بوده و هرگونه حاکمیت بر آن، مشروط به وفاداری به عهد الهی بوده است. همچنین، مفهوم "ذریه ابراهیم" مفهومی وسیع‌تر از نسل اسحاق است و شامل نسل اسماعیل نیز می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که ادعای "نژادگرایی سرزمینی اسرائیل" بر پایه "وعده الهی" در کتاب مقدس، نه تنها از نظر تاریخی و جغرافیایی ناکافی است، بلکه از نظر الهیاتی نیز با متون مقدس خود قوم یهود در تضاد است.

سرزمین‌های اشغالی هرگز نمی‌تواند به طور انحصاری وطن یهودیان باشد، بلکه سرزمینی است با تاریخ مشترک و ریشه‌های عمیق برای اقوام متعدد. تأکید بر این واقعیت‌ها، ضروری است تا از سوءاستفاده از متون مقدس برای توجیه اشغال، تبعیض و نقض حقوق بشر جلوگیری شود.

در دنیای امروز، رویکردهای مبتنی بر نژادگرایی سرزمینی، نه تنها به منازعات و خونریزی‌ها دامن می‌زنند، بلکه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را نیز به خطر می‌اندازند. پذیرش این واقعیت که سرزمین فلسطین متعلق به تمام کسانی است که در طول تاریخ در آن زیسته‌اند و حق حیات و کرامت انسانی برای همه ساکنان آن محفوظ است، گام نخست در مسیر تحقق عدالت و صلح پایدار در این منطقه خواهد بود. آینده‌ای مبتنی بر همزیستی و احترام متقابل، به جای ادعاهای انحصاری و تبعیض‌آمیز، تنها راه پیش روست.

فهرست منابع:

۱. آرثر، جون ماک، ۲۰۱۲م، تفسیر الكتاب المقدس، بیروت: دار منهل الحیات، بی‌تا.
۲. بی‌نام، ۱۹۹۷م، التفسیر التطبیقی للكتاب المقدس، قاهره: شركة ماستر میدیا، بی‌تا.
۳. کتاب مقدس، به همت انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، ۱۹۹۰م، بی‌جا، بی‌نا.
1. Miller, J. Maxwell. (۲۰۰۱). "Ismail." In *The Oxford Companion to the Bible*, edited by Bruce M. Metzger and Michael D. Coogan, ۳۵۱-۳۵۲. Oxford University Press.
2. Pappé, Ilan. (۲۰۰۶). *The Ethnic Cleansing of Palestine*. Oneworld Publications.

3. Sarna, Nahum M. (۱۹۸۹). Genesis: The JPS Torah Commentary. Jewish Publication Society.
4. Smith, Anthony D. (۲۰۰۴). Chosen Peoples: Sacred Sources of National Identity. Oxford University Press. .